

سبک زندگی انسان معنوی از منظر اسلام

زهرة اسماعیلی**

محمد نوبخت*

حمید ملکی***

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۳۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱

چکیده

امروزه تربیت معنوی به‌عنوان یکی از انواع تربیت مورد اقبال رویکردهای دینی و غیردینی تربیت است. پژوهش حاضر با هدف مطالعه سبک زندگی انسان معنوی از دیدگاه اسلام انجام شد. جامعه آماری شامل تحقیقات، مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌هایی درخصوص مبانی ارزش‌شناسی و تربیت معنوی است که از بین آنها، پژوهش‌هایی که با هدف تحقیق تناسب داشت، به‌عنوان نمونه انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها با استفاده از روش سندکاوی به مطالعه کتاب‌ها، مدارک، اسناد، پایگاه‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های در دسترس پژوهشگر که به بررسی مفاهیم ارزش‌شناسی و تربیت معنوی اعم از پژوهش‌های اسلامی و غیراسلامی پرداخته شد و سپس داده‌ها، استنباط و تفسیر شد. هر مبنای تربیتی از یک مبنای فلسفی متأثر است؛ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زندگی انسان معنوی معطوف به عشق، مشارکت و زایایی و سازندگی خلاقانه است، نه متمرکز بر مالکیت مادی، قدرت، و سلطه. براساس این یافته پیشنهاد می‌شود که این نوع تربیت در اختیار مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت برای اجرای آن در مدارس و در سطوح مختلف تحصیلی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌شناسی؛ انسان معنوی؛ سبک زندگی انسان معنوی اسلامی.

mr.nowbakht@yahoo.com

esmailiyir@gmail.com

dr.h.maleki@gmail.com

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری پیام نور تهران جنوب

** استادیار دانشگاه پیام نور تهران جنوب

*** دانشیار دانشگاه پیام نور تهران جنوب

مقدمه

یکی از مسائل مهم و اساسی در سلسله مباحث فلسفی و فلسفه اسلامی و آموزش و پرورش موضوع ارزش‌هاست. معنای عمومی واژه «ارزش» را، با وجود تنوع کاربردش در علوم مختلف، می‌توان «مطلوبیت» دانست. در واقع، این واژه درباره چیزهایی به کار می‌رود که به نحوی خواسته فرد، افراد خاص یا عموم انسان‌ها باشد. مقصود از ارزش‌شناسی، مباحثی درباره تعریف ارزش و مبانی آن اعم از: انواع ارزش، مراتب ارزش، واقعی یا غیرواقعی بودن ارزش، منشأ ارزش، معیار تعیین و اندازه‌گیری ارزش، ثبات یا تغییر ارزش، مطلق یا نسبی بودن ارزش و مانند اینهاست (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۱). واژه آگزیولوژی^۱ که از زبان یونانی به معنای «ارزش‌شناسی» گرفته شده برای مطالعه نظری عمومی ارزش مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نظریه شامل منشأ و خاستگاه ارزش، دسته‌بندی و جایگاه ارزش در جهان ماست (طاهرپور، ۱۳۹۲). ارزش‌شناسی به عنوان یکی از مبانی فلسفی در فلسفه و همچنین در فلسفه اسلامی در کنار دیگر مبانی چون هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، نقشی بس مهم و اساسی را در تربیت معنوی ایفا می‌کند. معنویت شکلی از آگاهی است؛ آگاهی تعالی‌دهنده که به گونه بالقوه در بشر وجود دارد و کارکردی مثبت دارد که فرد را قادر می‌سازد تا بتواند در محیط، خود را حفظ کند (میلر^۲، ۱۹۹۳). تربیت معنوی یکی از جنبه‌های تربیت است که امروزه مورد اقبال همگان اعم از دست‌اندرکاران نظام تربیتی کشور و رویکردهای دینی و غیردینی تربیت می‌باشد؛ لذا بررسی مبانی فلسفی تربیت معنوی از اهمیت زیادی برخوردار است. میخائیل هند^۳ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان تربیت معنوی، سعی می‌کند تحلیلی فیلسوفانه از مفهوم تربیت معنوی ارائه دهد. او یک نظام طبقه‌بندی منطقی از ترکیب کلمات تربیت و معنوی تشکیل داده و نهایتاً چهار معنی زیر را برای تربیت معنوی بیان می‌کند:

- تربیت بر اساس اصول معنوی؛
- تربیت روح انسان؛
- تربیت در یک فعالیت معنوی؛
- تربیت در یک گرایش یا حالت معنوی.

1. Axiology
2. Miller
3. Michael Hand

نکته مهم آن است که ارائه یا انتخاب هر مفهومی از تربیت معنوی، در صورتی که نوعی فعالیت تلقی شود، تا زمانی که بر بنیان‌های صحیح و منسجمی استوار نباشد، در پاسخگویی به چراها و چگونگی‌های عرصه تربیت دچار سردرگمی شده و یا به بی‌راهه می‌انجامد. برای پاسخ به سؤالاتی مانند اینکه کدام روش مراقبه در بازسازی روح انسان مناسب‌تر است؟ و یا اینکه اساساً معنوی بودن انسان چیست و چگونه است؟ با توجه به اینکه از مفهوم تربیت معنوی معانی مختلفی استنتاج می‌شود، متفاوت خواهد بود (هند، ۲۰۰۳).

مفهوم تربیت معنوی در میان کسانی که درصدد تبیین این مفهوم برآمده‌اند، دارای معانی مختلفی است. این تنوع آراء به دلیل وجود معناهای گوناگون ممکن برای کلمه (معنویت) است، زیرا هر دیدگاه خاص راجع به معنویت، به تربیت (تربیت معنوی) معنی خاصی می‌بخشد و در شکل‌گیری چرایی و چگونگی آن، تفاوت ماهوی ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال، در صورتی که معنویت را به‌عنوان نوعی هوش تعریف کنیم، تربیت معنوی جنبه‌ای از تربیت است که عهده‌دار پرورش و تکامل هوش معنوی افراد می‌باشد و در صورتی که آن را یک نیروی انگیزشی در انسان بدانیم، تربیت به فرایند جهت‌دهی و تقویت این نیروی انگیزشی اطلاق می‌شود (باغگلی، ۱۳۹۲).

مسئله اصلی پژوهش حاضر، سبک زندگی انسان معنوی از دیدگاه اسلام است، هر چند که می‌توان به معنویت از نگاه فرادینی نگریست، ولی ضرورت دارد معنویت موردنظر در اسلام در این پژوهش تبیین شود. بنابراین، در این تحقیق، سبک زندگی انسان معنوی با محوریت بخشیدن به روح تعالیم دینی و اخلاقی اسلام و تأثیر آن در زندگی انسان، کانون توجه قرار گرفته و با استناد به منابع و متون اسلام و نظر اندیشمندان در این حوزه به معنای دوم از منظر میخائیل هند از روح یعنی تربیت روح انسان مورد توجه قرار گرفته است.

هوان شیم^۱ (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان «مطالعه اهمیت یادگیری و آموزش معنوی از طریق اعترافات آگوستین» اهمیت معنویت و نحوه ترکیه در این دوران مدرن را مورد بررسی قرار می‌دهد که در آن، خودآزمایی در معنای زندگی به‌علت مسائلی چون مصرف‌گرایی، خشونت، ترور و تأثیرات یک محیط آموزش عالی، از طریق اعترافات آگوستین را نشان می‌دهد.

فریسو و کالدین^۲ (۲۰۱۴) در مقاله خود با عنوان «آموزش مذهبی و معنوی در موقعیت‌های

1. Hwan Shim
2. Friso and Caldin

معلولیت در ایتالیا؛ بر توانایی آموزش و پرورش مذهبی و معنوی در ارائه تعلیمات اجتماعی و معنوی برای دانش آموزان دارای معلولیت تمرکز می کنند.

مصباحی (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان «وضعیت عقل، دین و علم در عصر پست مدرن» ملاحظات آن در تربیت معنوی با رویکرد انسان شناسانه را تحلیل می کند.

باغکلی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «مطالعه انتقادی تربیت معنوی در دنیای معاصر» مقایسه رویکرد دینی و نوپدید را در عرصه تربیت با هدف مطالعه انتقادی تربیت معنوی در دنیای معاصر مورد بررسی قرار داد و دو جهت گیری کلی نسبت به معنویت (معنویت مبتنی بر دین و معنویت فارغ از دین) را شناسایی کرد.

طاهرپور (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «تبیین مبانی ارزش شناسی فلسفه تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام» آورده است که ارزش ها رکن اساسی زندگی آدمی را تشکیل می دهند و با تجلی در فرهنگ سازمانی و جهت دهی به آن، نقش مهمی در نهادهای اجتماعی از جمله نهاد آموزشی و تعامل عناصر مختلف آن دارند. از سوی دیگر، ارزش ها در تکوین شخصیت متریان به عنوان درون دادهای نظام آموزشی نقش اساسی دارند.

یارمحمدیان و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تطبیقی رویکردهای تربیت معنوی با توجه به مؤلفه های برنامه درسی در چند کشور جهان» چنین بیان می دارند که هدف اصلی این مقاله بررسی رویکردهای تربیت معنوی با توجه به مؤلفه های برنامه درسی در کشورهای منتخب بوده است که با روش تطبیقی و با کمک الگوی بردی انجام گرفت.

اشعری (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی مفهوم، اصول و روش های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی» بیان می دارد: مفهوم تربیت معنوی یکی از مسائل چالش برانگیز در فلسفه تعلیم و تربیت است. در این مقاله برای دستیابی به این مفهوم، دیدگاه علامه طباطبایی به عنوان مبنا مدنظر قرار می گیرد.

اشعری (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه معنویت و دین از دیدگاه علامه طباطبایی و دلالت های آن در تربیت دینی» به کندوکاو درباره مفهوم معنویت و رابطه آن با دین از دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته و دلالت های آن را در تربیت دینی بیان کرده است. در این مقاله کارکردهای معنویت در تربیت دینی بررسی شده و بدین منظور روش استنتاج قیاسی به کار گرفته شده است. برای این کار از الگوی بازسازی شده فرانکنا استفاده و دو اصل تربیتی و روش های آن

ارائه شده است:

خسرو باقری (۱۳۸۲) در پژوهش «درآمدی به فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران» مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی را مطرح نمود. وی مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی را: ۱. اعتباری بودن ارزش‌ها و ناظر بودن آنها به واقعیت، ۲. ثبات و تغییر در ارزش‌ها، ۳. ارزش‌ابزاری طبیعت، ۴. کرامت انسانی، ۵. آزادی، ۶. عدالت، ۷. رأفت و احسان، ۸. زیبایی و ارزش زیبایی‌شناختی بیان می‌دارد.

بنابراین، مقصود از این پژوهش، مطالعه مبانی ارزش‌شناسی تربیت معنوی از منظر اسلام است و این پژوهش به سؤال که مبانی ارزش‌شناسی تربیت معنوی از منظر اسلام چیست؟ پاسخ می‌دهد.

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر، تحقیقات، مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌هایی درخصوص ارزش‌شناسی و تربیت معنوی بود. بنابراین، آن تحقیق یا پژوهشی که ارتباط بیشتری با موضوع حاضر داشته انتخاب و نمونه‌برداری شد و سپس داده‌هایی که از طریق سندکاوی به دست آمده‌اند، به روش توصیفی - تحلیلی، تجزیه و تحلیل شد؛ یعنی اینکه پس از بررسی اسناد اعم از کتابی و غیرکتابی و پایگاه‌های اطلاعاتی، مقالات، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های دکتری متناسب با موضوع تحقیق و کلیدواژه‌های پژوهش و سبک زندگی گردآوری شدند. براساس مباحث ارزش‌شناسی، تربیت معنوی زبان فارسی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۸ طبقه‌بندی و در مواردی که لازم بود، خلاصه‌برداری شده، آنگاه مورد تفسیر و تجزیه و تحلیل واقع شده است. برای تجزیه و تحلیل ابتدا، مفهوم فراگیر و مفهوم سازمان‌دهنده و مفاهیم پایه هر یک از مبانی تربیت معنوی به روش استنباطی مشخص شده و پس از آن در مورد هر یک توضیح شده است و پس از آن جداولی برای سهولت درک و فهم مطالب و موضوعات ترسیم شده است.

یافته‌های پژوهش

معنویت^۱ به عنوان رکن اساسی تعالیم دینی، تلاشی برای اتصال انسان به عالم ماوراء و دستیابی

1. Spirit

او به حیات معنوی اصیل، همیشه در کانون توجه متولیان دین بوده و هست. معنویت یعنی رسیدن به حقیقت جهان که معشوق بی‌نهایت زیبا و مطلوب وجودی انسان است. معنویت یعنی دل‌بستگی، عشق حقیقی به اصل و ریشه و حقیقت آن است که معنویت چیزی جدای از باورها، اندیشه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی نیست، معنویت همانند روح است در بدن که در هر جزء جزء باید باشد و هرجایی که نباشد، مرده است؛ اگر چه حرکت مادی فیزیکی داشته باشد. پس جان کلام در تربیت معنوی همه حضور است و همه مفهوم عشق است (ملکیان، ۱۳۸۹). همان‌طور که حافظ می‌سراید:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد	عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت	عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد
حافظ آن روز طربنامه عشق تو نوشت	که قلم بر سر اسباب دل خرم زد

معنویت رنگ و بوی خداست. معنویت یعنی سیراب شدن جان بی‌نهایت طلب و آرام شدن قلب مضطرب. معنویت یعنی تمامی زیبایی‌ها از نظر کمیت و کیفیت و زمان و طول و عرض. معنویت یعنی خدمت عاشقانه و خالصانه به خلق خدا بدون توقع و چشم‌داشت (ملکیان، ۱۳۹۰).

توحید، زیربنای همه معارف و معنویت‌هاست. ثمره توحید، اخلاص است و ثمره توحید، زهد و ثمره توحید، اطاعت و بندگی خدا و رعایت تقوا و ایمان است. ثمره توحید، اخلاق نیک و اجرای عدالت و امر به معروف و نهی از منکر است (ملکیان، ۱۳۹۰).

بنابراین، مهم‌ترین نکته در بحث تربیت و پرورش معنویت، آموزش توحید است. انسان به دلیل انسان‌بودنش که دارای بعد مادی و روحانی است و خواسته و گرایش متضاد الهی و حیوانی دارد، معمولاً به دلیل سرگرم شدن به زندگی مادی و بعضاً گناهان دچار نوعی دل‌مردگی می‌شود که با شنیدن پند و موعظه، روح او آرامش می‌یابد و آماده حرکت به سوی معنویات می‌شود (دباغ، ۱۳۸۳). لذا مبانی تربیت معنوی از دیدگاه اسلام را با توجه به مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی اسلامی و مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی و نظر متخصصان تربیت اسلامی و براساس آنچه در مورد مفهوم تربیت معنوی بیان شد، توضیح داده می‌شود و به سؤال مبانی تربیت معنوی از منظر اسلام چیست؟ پاسخ داده می‌شود. این مبانی عبارتند از: مبدأ هستی معبود انسان در تربیت معنوی، خداوند دارای ارزش مطلق و خدا معیار ارزش جهان، طبیعت آیه و نشانه خداوند، کرامت، آزادی معنوی، عدالت، عشق به جهان هستی و مخلوقات خداوند و جهان جلوه‌ای از جمال معبود است.

جدول مبانی ارزش‌شناسی و مبانی تربیت معنوی

مبانی ارزش‌شناسی	مبانی تربیت معنوی
۱. اعتباری‌بودن ارزش‌ها و ناظربودن آنها به واقعیت	مبدأ هستی معبود انسان در تربیت معنوی
۲. ثبات و تغییر در ارزش‌ها	خداوند دارای ارزش مطلق و خدا معیار ارزش جهان
۳. ارزش‌ابزاری طبیعت	طبیعت آیه و نشانه خداوند
۴. کرامت انسان	کرامت انسان
۵. آزادی	آزادی معنوی
۶. عدالت	عدالت
۷. رأفت و احسان	عشق به جهان هستی و مخلوقات خداوند
۸. زیبایی و ارزش زیبایی‌شناختی	جهان جلوه‌ای از جمال معبود

مبنای اول: مبدأ هستی معبود انسان در تربیت معنوی

از نظر مبانی ارزش‌شناسی در دیدگاه اسلام خداوند، خیر بنیادین و نیز بنیاد خیر است. در این معنا، ارزش، در عرصه ادراک آدمی ظهور می‌کند و از این رو می‌توان از اعتباری‌بودن آن سخن گفت و امر ارزشی علاوه بر آنکه به ادراک و اعتبار آدمی مبتنی است، به جایگاه وجودی امور یا نسبت آنها با غایت هستی نیز ناظر است (باقری، ۱۳۸۲).

حاصل کلام آن است که معیارهای ارزشی را خداوند مشخص می‌کند. فعل او معیار و خود معیار آفرین است (باقری، ۱۳۸۲).

لذا با توجه به پیشینه پژوهش و مطالب بالا می‌توان از مبنای اعتباری‌یابی و ناظربودن به واقعیت در مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی مبنای مبدأ هستی معبود انسان در تربیت معنوی از نظر اسلام را استنباط کرد. این مبنا مربوط به رابطه انسان با خداوند است. امر ارزشی علاوه بر آن که به ادراک و اعتبار آدمی مبتنی است به جایگاه وجودی امور یا نسبت آنها با غایت هستی نیز ناظر است.

بر این اساس، وقتی در پرتو تربیت معنوی، رابطه انسان نسبت به معبود خود، در مسیر درست قرار گرفت و زندگی او رنگ و بوی الهی یافت، تربیت واقعی صورت گرفته و انسان گام‌های بلندی برداشته است. بنابر این مبنا به دنبال اصلاح رابطه فرد با مبدأ هستی که منشأ خیر است می‌باشد. رابطه‌ای که حاکی از علاقه، محبت، عشق، عبودیت، دلدادگی و پرستش خالصانه با

احساس نیاز شدید درونی و فارغ از توقع و چشمداشت و پاداش دنیوی و یا اخروی است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید همانا کسانی که به خداوند ایمان آوردند علاقه و حب شدیدی به خداوند دارند^۱.

دیدگاهی که به معبود عشق می‌ورزد و تمام وجودش را لبریز از ارتباط و راز و نیاز با او می‌سازد و نگرش و سبک زندگی او را تغییر می‌دهد.

مبنای دوم: خداوند دارای ارزش مطلق و خدا معیار ارزش جهان

در دیدگاه ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی، خداوند که از حیث وجودی، خیر بنیادین محسوب می‌شود، خود چون بنیاد خیر در نظر گرفته می‌شود و در ارزشمندی، مطلق است (باقری، ۱۳۸۲).

لذا باتوجه به پیشینه پژوهش می‌توان از مبنای ثبات و تغییر در ارزش‌ها از مبنای ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی، مبنای خداوند دارای ارزش مطلق و خدا معیار ارزش جهان برای مبنای تربیت معنوی اسلامی استنباط کرد. این مبنا مربوط به رابطه انسان با خدا و جهان است. براساس این مبنا، خداوند، خالق، مبدع، مدبر، جهان و مافیهاست و آن را تدبیر می‌کند و کل جهان را حول محور الهی ادامه حیات و زندگی، هدایت و رشد می‌هد. خداوند است که ارزش‌ها را آفریده است و نظام ارزشی را پدید آورده است؛ بنابراین، میزان برای سنجش ارزش امور در تربیت معنوی، خداوند است و با این ملاک و میزان، اموری که منتسب و وابسته به خداوند هستند، سنجیده می‌شود. البته انسان معنوی که به خداوند عشق می‌ورزد و یگانه معبود او در زندگی خداوند است، ارزشی فراتر از خداوند را تصور نمی‌کند، همان‌طور که حضرت علی(ع) می‌فرماید: معبودا بس است مرا این عزت که بنده توام و بس است مرا این افتخار که تو پروردگار منی. تو چنانی که دوست میدارم مرا چنان کن که دوست میداری^۲. بنابراین معیار بهترین عزت را عبودیت و بندگی خداوند و بالاترین افتخار را داشتن پروردگار و ارباب و سروری چون خداوند معرفی می‌کند. از دیدگاه اسلام این نوع بینش درمورد خداوند سبک حیات و زندگی او را متحول می‌کند و این است سبک زندگی ناب و اصیل اسلامی.

۱. ان الذین آمنوا اشد حیا لله

۲. الهی کفی بی عز ان اکون لک عبدا و کفی بی فخرا ان تکون لی ربا انت کما احب فاجعلنی کما تحب.

مبنای سوم: طبیعت آیه و نشانه خداوند

در دیدگاه اسلام، طبیعت و به‌ویژه زمین، از یک حیث، چون مجموعه وسایل و امکاناتی برای زندگی آدمی است، از این جهت، می‌توان گفت که طبیعت، ارزش ابزاری دارد و اشیای طبیعی، به‌منزله وسایلی در اختیار آدمی یا هماهنگ با او و زندگی اوست در این مفهوم نظر بر آن است که هر ابزاری را برای مقصود یا مقصودهای معینی می‌سازند و این همان جنبه غایت‌گرایانه در ابزارهاست (باقری، ۱۳۸۲).

باتوجه به پیشینه پژوهش مبنای ارزش ابزاری طبیعت در مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی مطرح شد، لذا مبنای طبیعت آیه و نشانه خداوند برای مبانی تربیت معنوی اسلام استنباط می‌شود. این مبنا مربوط به رابطه انسان با جهان هستی است. انسان معنوی، طبیعت و جهان و محیط‌زیست را مخلوق معبود خود، خداوند کریم می‌داند و دلخوش و دلشاد است که در جهانی زندگی می‌کند که متعلق به پروردگار و خالق خود است و خداوند آن را آفریده است و آن را تدبیر می‌کند، مصداق این مصرع از شعر استاد سخن شیخ اجل سعدی است که می‌سراید: «به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست». مضاف بر اینکه، تفکر و اندیشه‌ورزی در مورد طبیعت، جهان و محیط‌زیست و چگونگی آفرینش آنها، زمینه را برای شناخت جهان فراهم می‌سازد و با تدبیر در جهان و محیط‌زیست، آن را آیه و نشانه خداوند می‌داند و با مشاهده و رؤیت آنها به یاد آفریننده آن می‌افتد و میزان عرفان و شناخت خداوند و فلسفه وجودی خود را در این جهان ارتقا می‌بخشد و نگرش و بینش فرد در مورد محیط‌زیست، جهان و همه هستی به‌طور متفاوت می‌شود و مدام در حال بالابردن و ارتقای نگرش خود در مورد هستی است. به‌تبع آن سبک زندگی انسان تحول می‌یابد چون شناخت او نسبت به هستی تغییر می‌کند.

مبنای چهارم: کرامت

در دیدگاه ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی، این مبنا به‌سبب برخوردار نمودن آدمی از سرمایه‌های عظیم وجودی، چون عقل و فطرت، است. از این رو، انسان تنها به‌سبب انسان بودن از کرامت برخوردار است و خداوند انسان را در پایگاه و منزلتی بلند آفریده است (باقری، ۱۳۸۲).

باتوجه به پیشینه پژوهش، کرامت مبنای مشترک برای مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی و مبانی تربیت معنوی است. خداوند انسان را در پایگاه و منزلتی بلند آفریده است. این مبنا مربوط

به رابطه انسان با خود است. خداوند علاوه بر عقل و ایمان و اختیار و اراده و آزادی که همه جلوه‌های کرامت انسان هستند، در آفرینش انسان از روح خود در کالبد او دمید و انسان را از جنس خود آفرید. این امتیاز که خداوند به انسان ارزانی فرمود، به هیچ‌یک از مخلوقات حتی فرشتگان مقرب هم اعطا نکرد. همین امتیاز کافی است که انسان اشرف مخلوقات باشد و خداوند پس از آفرینش او خود را تحسین کند که خود احسن الخالقین نامید. این کرامت انسانی مبنای ارزشمندی برای زندگی وی، به خصوص سبک زندگی اوست که می‌تواند از این سرمایه برای رشد و تعالی و فلاح و رستگاری استفاده کند. شناخت این موضوع برای انسان که وی صاحب کرامت است و بهترین مخلوقات خداوند است، تأثیر بسزایی در زندگی وی دارد و عامل محرکی برای حرکت در مسیر رشد و تعالی است و زمینه حرکت، فعالیت و خداگونه‌شدن را در انسان پرورش می‌دهد.

مبنای پنجم: آزادی معنوی

در دیدگاه ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی آزادی به معنای فقدان مانع بیرونی در نظر گرفته می‌شود و آزادی فرد در گرو آن است که افراد دیگر یا دولت، مانعی برای دسترسی فرد به حقوق خود فراهم نیاورند و در دیدگاه اسلام، علاوه بر جنبه سلبی به جنبه اخلاقی و ایجابی آن نیز توجه می‌شود (باقری، ۱۳۸۲).

لذا با توجه به مبنای آزادی در مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی، مبنای آزادی معنوی در مبانی تربیت معنوی اسلامی استنباط می‌شود. این مبنا مربوط به رابطه انسان با خود و دیگر انسان‌هاست. یکی از حقوق مسلم انسان‌ها، حق آزادی است: آزادی در زندگی، آزادی در عقیده و مذهب، آزادی در شغل، آزادی در گفتار، نوشتار و کردار، آزادی در انتخاب آنچه که استعداد و امکانش هست (فولادی، ۱۳۹۴).

از دیدگاه سبک زندگی اسلامی از همه آزادی‌ها مهم‌تر، آزادی معنوی است؛ زیرا اگر آزادی معنوی در کار نباشد، چه بسا فضل و زهد و تقوی و دانش نیز دام راه خواهند شد^۱. این نوع از آزادی با عبودیت و بندگی خداوند میسر است. آزادی امکان‌پذیر نیست مگر در سایه پیوستگی به خداوند. خداوندی که پیوستن به او نه تنها سبب کاستی نیست، بلکه مایه غنا و نیکویی آدمی می‌شود؛ چراکه او سرچشمه همه نیکی‌هاست و آفرینندگی او نه از سر نیاز و سود، بلکه از سر جود

۱. تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافرست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدهش (حافظ)

و بخشش اوست.

اینکه خود پیامبر به دستور خداوند به مردم اعلام می‌کند که "او تذکردهنده است و سلطه و سیطره‌ای بر کسی ندارد"^۱ اوج آزادی خواهی است. بنابراین هدف از این پیام توحیدی، رهایی مردم از غل و زنجیرهای بردگی و بندگی بود که سبب هلاکت و نابودی آنان شده بود و اینکه حتی پیامبر هم در دعوت به خدا هیچ اجبار و اکراهی به کار نمی‌برد و مردم آزادانه دست به انتخاب می‌زنند و دین خود را برمی‌گزینند. لذا در این رابطه حضرت علی (ع) می‌فرماید: خداوند همه را آزاد آفریده است و نباید بنده کسی بود^۲ و همه پیامبران برای آزادی انسان‌ها آمده بودند.

مبنای ششم: عدالت

مبنای عدالت برای مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی و مبانی تربیت معنوی مشترک است. عدالت یکی از ارزش‌های اساسی و بلکه اساسی‌ترین ارزش اجتماعی محسوب شده است. عدالت چون امری ارزشی دارای جنبه اعتباری است، اما این اعتبار ثابت و پایدار است. زمینه‌های عدالت: عرصه اقتصادی و توزیع بیت‌المال، اخلاقی (به‌عنوان میزان قرارداد خود در ارتباط با دیگران)، در مقابل حکومت و قانون، حق فقیران در اموال ثروتمندان (باقری، ۱۳۸۲).

این مبنا مربوط به رابطه انسان با خود و دیگر انسان‌ها و جهان هستی است. به استناد این مبنا در ابتدا باید گفت که خداوند همه را عادلانه از یک جنس و یک پدر و مادر خلق نمود و همچنین دمیدن روح خدایی در همه انسان‌ها مشترک است و در این مسئله هم هیچ کس بر دیگری تفوق و برتری ندارد و از سویی دیگر خداوند رزق و روزی بندگان و هدایت آنها را تضمین کرده است که اینها دال بر اجرای عدالت خداوند در مورد بندگان است و علاوه بر این خداوند در قرآن کریم تصریح کرده است که ما پیامبرانمان را ارسال کردیم و با آنها کتاب و میزان فرستادیم تا بین مردم به عدالت رفتار کنند و آهن را برای جنگ و دعوا در راه عدالت فرو فرستادیم^۳. با توجه به آیه فوق برخی از مفسرین هدف از ارسال رسل و انزال کتب را برقراری عدالت در جامعه تفسیر کرده‌اند. این موضوع تأثیر بسزایی در سبک زندگی انسان دارد.

۱. فذکر انما انت مذكر لست عليهم بمصیطر (غاشیه/ ۲۱- ۲۲)

۲. لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا (نهج البلاغه: نامه ۳۱)

۳. لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه باس شدید و منافع للناس (حدید/ ۲۵)

مبنای هفتم: عشق به جهان هستی و مخلوقات خداوند

از مبنای رأفت و احسان در مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی، مبنای عشق به جهان هستی و مخلوقات خداوند برای مبانی تربیت معنوی استنباط می‌شود. این مبنا مربوط به رابطه انسان با جهان هستی است. انسان تربیت‌یافته تربیت معنوی مصداق این مصرع از شعر سعدی شیرازی است: «عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست». پس جان کلام در تربیت معنوی مفهوم عشق و علاقه وافر به معبود و خداوند است. عشقی که تمام وجود عاشق را در برمی‌گیرد و جز به معشوقه خود که حضرت حق است، به هیچ‌چیز نمی‌اندیشد و جهان را جلوه‌ای از وجود حق می‌بیند و به مخلوقات از این زاویه نگاه می‌کند که همه از جانب دوست هستند و متعلق و ملک خداوند هستند و لذا چون آنها از خداوند هستند به آنها عشق می‌ورزد و آنها را دوست می‌دارد. بنابراین، سبک زندگی انسان معنوی با یک نگرش و دیدگاه عمیق و ژرف به جهان هستی است و نگرش وی بدور از سطحی‌نگری می‌باشد.

مبنای هشتم: جهان جلوه‌ای از جمال معبود

از مبنای زیبایی و ارزش زیبایی‌شناسی از مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی، مبنای جهان جلوه‌ای از جمال معبود برای مبانی تربیت معنوی استنباط می‌شود. زیبایی و ارزش زیباشناختی از نظر اسلامی دو گونه است: عینی و ذهنی. مقصود از عنصر عینی در زیبایی این است که چیز زیبا خود از خصایصی برخوردار است که آن را زیبا می‌گرداند عنصر ذهنی در زیبایی به نحوی و تا به حدی به ادراک و ادراک‌کننده قائم است، این مبنا مربوط به رابطه انسان با خداوند و جهان هستی است (باقری، ۱۳۸۲). به استناد این مبنا فرد تربیت‌یافته تربیت معنوی جهان را علاوه بر اینکه جلوه خداوند می‌بیند آن را هم زیبا رؤیت می‌کند؛ یعنی نه‌اینکه جهان از آن خداست و این‌گونه تعبیر می‌کند آن را زیبا و دارای جمال تصور می‌کند و درواقع هرچه از خداست را خوب و دوست‌داشتنی و زیبا می‌پندارد. البته این یک مبنا و اصل در مورد آن چیزی که انسان عاشق آن است، صادق می‌باشد. شعر زیر از باباطاهر عریان مصداق این است که فرد عاشق همه چیز را جلوه معبود می‌بیند، می‌باشد:

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
 نشان از قامت رعنا تو بینم

به دریا بنگرم دریا تو بینم
 به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

شعر زیر که از سعدی است مصداق جلوه جمال و زیبایی همه چیز است:

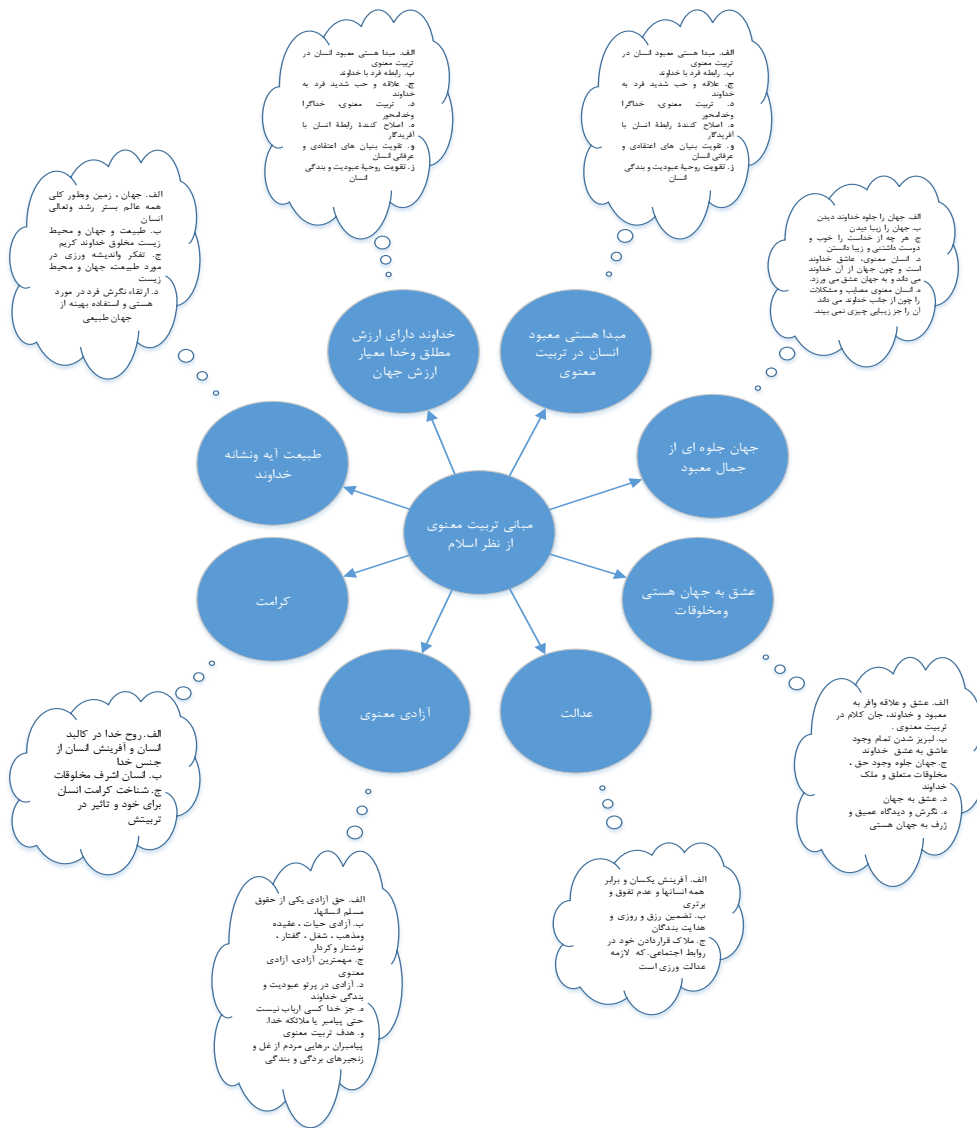
تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و رعنائی دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی
یا اینکه پس از واقعه عاشورا و تحمل همه مصائب و سختی‌ها حضرت زینب (سلام الله علیها)
این جمله را در مقابل ابن‌زیاد دارند که جز زیبایی چیزی را ندیدم (ما رأیت الا جمیلاً)، این
نشان‌گر نهایت عرفان و معنویت و شناخت خداوند و ایثار و فداکاری در راه حضرت دوست است
و گرنه این‌گونه تعبیر از بلا یا و مصائب و مشکلات در هیچ قالب مادی و زندگی روزانه و
روزمرگی نمی‌گنجد (ملکیان، ۱۳۸۹). بنابراین، اسلام این‌گونه سبک زندگی را به پیروانش
به‌عنوان الگو و نمونه معرفی می‌کند.

جدول مفاهیم مبانی تربیت معنوی از منظر اسلام

مفهوم پایه	مفهوم سازمان‌دهنده	مفهوم فراگیر
الف. مبدأ هستی معبود انسان در تربیت معنوی ب. رابطه فرد با خداوند ج. علاقه و حب شدید فرد به خداوند د. تربیت معنوی، خداگرا و خدامحور ه. اصلاح‌کننده رابطه انسان با آفریدگار و. تقویت بنیان‌های اعتقادی و عرفانی انسان ز. تقویت روحیه عبودیت و بندگی انسان	مبنای اول: مبدأ هستی معبود انسان در تربیت معنوی	
الف. خداوند دارای ارزش مطلق و معیار ارزش در جهان ب. خداوند، خالق، مدبّر، جهان و مافیها ج. تدبیر جهان حول محور الهی د. خداوند تعیین‌کننده میزان و ملاک هر ارزش و زیبایی ه. خداوند ملاک و میزان سنجش امور و. عشق به خداوند و یگانه معبود انسان در زندگی	مبنای دوم: خداوند دارای ارزش مطلق و خدا معیار ارزش جهان	مبانی تربیت معنوی
الف. جهان، زمین و به‌طورکلی همه عالم بستر رشد و تعالی انسان ب. طبیعت و جهان و محیط‌زیست مخلوق خداوند کریم ج. تفکر و اندیشه ورزی در مورد طبیعت، جهان و محیط‌زیست د. ارتقای نگرش فرد در مورد هستی و استفاده بهینه از جهان طبیعی	مبنای سوم: طبیعت آیه و نشانه خداوند	

ادامه جدول مفاهیم مبانی تربیت معنوی از منظر اسلام

مفهوم فراگیر	مفهوم سازمان‌دهنده	مفاهیم پایه
مبانی تربیت معنوی	مبنای چهارم: کرامت	الف. روح خدا در کالبد انسان و آفرینش انسان از جنس خدا ب. انسان اشرف مخلوقات ج. شناخت کرامت انسان برای خود و تأثیر در تربیتش
	مبنای پنجم: آزادی معنوی	الف. حق آزادی یکی از حقوق مسلم انسان‌ها ب. آزادی حیات، عقیده و مذهب، شغل، گفتار، نوشتار و کردار ج. مهم‌ترین آزادی، آزادی معنوی د. آزادی در پرتو عبودیت و بندگی خداوند ه. جز خدا کسی ارباب نیست حتی پیامبر یا ملائکه خدا. و. هدف تربیت معنوی پیامبران، رهایی مردم از غل و زنجیرهای بردگی و بندگی
	مبنای ششم: عدالت	الف. آفرینش یکسان و برابر همه انسان‌ها و عدم تفوق و برتری ب. تضمین رزق و روزی و هدایت بندگان ج. ملاک‌قراردادن خود در روابط اجتماعی که لازمه عدالت‌ورزی است
	مبنای هفتم: عشق به جهان هستی و مخلوقات خداوند	الف. عشق و علاقه وافر به معبود و خداوند، جان کلام در تربیت معنوی ب. لبریز شدن تمام وجود عاشق به عشق خداوند ج. جهان جلوه وجود حق، مخلوقات متعلق و ملک خداوند د. عشق به جهان ه. نگرش و دیدگاه عمیق و ژرف به جهان هستی
	مبنای هشتم: جهان جلوه‌ای از جمال معبود	الف. جهان را جلوه خداوند دیدن ب. جهان را زیبا دیدن ج. هر چه از خداست را خوب و دوست‌داشتنی و زیبا دانستن د. انسان معنوی، عاشق خداوند است و چون جهان را از آن خداوند می‌داند و به جهان عشق می‌ورزد. ه. انسان معنوی مصائب و مشکلات را چون از جانب خداوند می‌داند آن را جز زیبایی چیزی نمی‌بیند.



شکل ۱. مبانی تربیت معنوی از منظر اسلام

بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به مباحث مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که علمی که عهده‌دار پژوهش در مورد ارزش و اعتبار آنهاست، همانا علم ارزش‌شناسی است. ارزش‌شناسی در باره بایدها و نبایدها، بحث می‌کند و بعضی از امور دارای ارزش ذاتی هستند مثل عدالت و آزادی، ولی تحقق آنها در جوامع بستگی به شرایط دارد. از منظر اسلام ارزش‌ها مفاهیم اعتباری هستند که مابه‌ازای خارجی ندارند که در ورای ظرف عمل تحقیق ندارند و بر اثر دواعی و امیال و جهت رسیدن به کمال و سعادت ساخته می‌شوند. اینها مفاهیم اعتباری بالمعنی اخص هستند که علامه طباطبایی آنها را اعتباریات اجتماعی می‌نامند. علامه طباطبایی معتقد است که ارزش‌ها به شکل مفهومی مطلق هستند و در صورت مصداق نسبی یعنی حسن و قبح به‌طور مطلق در خارج یافت نمی‌شود (حسنی، ۱۳۸۳). در سبک زندگی اسلامی، انسان معنوی به هیچ‌چیز دلبستگی ندارد. این عدم دلبستگی، البته، معنایش این نیست که هیچ‌چیز این جهانی را در تملک خود نمی‌گیرد یا از هیچ‌چیز استفاده و بهره‌برداری نمی‌کند. می‌توان مالک چیزی بود یا از آن استفاده و بهره‌برداری کرد، اما دلبسته آن نبود. آن چیزی که مشکل ایجاد می‌کند، وابستگی و دلبستگی به امور عالم است که انسان معنوی از آنها فارغ است.

زندگی انسان معنوی معطوف به عشق، مشارکت و زایایی و سازندگی خلاقانه است، نه متمرکز بر مالکیت مادی، قدرت، و سلطه.

انسان معنوی سخت دل‌مشغول اصلاح خود است؛ یعنی همه هم‌وغم او معطوف این است که خودش را از لحاظ ذهنی، روانی، اخلاقی و معنوی در چه وضع و حالی است و در چه مرحله و مرتبه‌ای واقع است. انسان معنوی عمیقاً معتقد است که به تعبیر علی بن ابیطالب (ع)، طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب غیره (خوشا کسی که عیب خودش او را از نگریستن به عیب‌های دیگران باز می‌دارد (ملکیان، ۱۳۸۹)).

این یافته‌ها با نتایج پژوهش دکتر خسرو باقری در خصوص مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی همخوانی و توافق دارد. بنابراین، در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت که: مبانی سبک زندگی معنوی عبارتند از: مبدأ هستی معبود انسان در تربیت معنوی، خداوند دارای ارزش مطلق و خدا معیار ارزش جهان، طبیعت آیه و نشانه خداوند، کرامت، آزادی معنوی، عدالت، عشق به جهان

هستی و مخلوقات خداوند و جهان جلوه‌ای از جمال معبود است؛

لذا در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که:

منظور از مبنای اول، مبدأ هستی معبود انسان در تربیت معنوی این است که در دیدگاه اسلام خداوند، خیر بنیادین و نیز بنیاد خیر است و ارزش‌ها از ماهیت ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. امر ارزشی علاوه بر آنکه به ادراک و اعتبار آدمی مبتنی است، به جایگاه وجودی امور یا نسبت آنها با غایت هستی نیز ناظر است. اعتبار در اینجا حاکی از سلیقه صرف شخصی یا قرارداد صرف اجتماعی نیست، بلکه اعتباری است که بر پشتوانه‌ای از واقعیت‌ها یا حقایق تکیه دارد (حسینی، ۱۳۸۳). تربیت معنوی، تربیتی خداگرا، خدامحور و اصلاح‌کننده رابطه انسان با آفریدگار است. ویژگی بارز چنین رویکردی، تقویت بنیان‌های اعتقادی و عرفانی (شناخت و معرفت خدا) و روحیه عبودیت و بندگی است رابطه‌ای که حاکی از علاقه، محبت، عشق، عبودیت، دلدادگی و پرستش خالصانه با احساس نیاز شدید درونی و فارغ از توقع و چشم‌داشت و پاداش دنیوی و یا اخروی می‌باشد.

در سبک زندگی معنوی، خداوند معبود انسان معنوی است و انسان معنوی به خداوند عشق می‌ورزد و رابطه انسان معنوی با خداوند رابطه عبد با معبود است و سراسر وجود عبد را محبت و عشق به خداوند دربر می‌گیرد^۱ و انسان معنوی کاملاً متوجه معبود خود که آفریننده هستی است، می‌باشد و با او زندگی می‌کند.

منظور از مبنای دوم خداوند دارای ارزش مطلق و خدا معیار ارزش جهان این است که براساس این مبنا خداوند، خالق، مبدع، مدبر، جهان و مافیها را آفریده است و آن را تدبیر می‌کند و کل جهان حول محور الهی ادامه حیات و زندگی و هدایت و رشد می‌یابد. خداوند است که ارزش‌ها را آفریده است و نظام ارزشی را پدید آورده است و تعیین‌کننده میزان و ملاک هر ارزش و زیبایی و خیر و خوبی و رحمت و وسعت و گشایش است.

در سبک زندگی انسان معنوی، نقش محوری خداوند در مسائل معنوی و تدبیر جهان مطرح و خداوند به‌عنوان ملاک و معیار ارزش در جهان معرفی شده و تصریح می‌شود که ارزش همه چیز وابسته به خداوند است.

۱. ان الذین آمنوا اشد حبا لله ۱۳.

انسان معنوی خداوند را دارای ارزش مطلق تلقی می‌کند و جهان و مافیها و ارزش آنها در پرتو ارزش خداوند و در نسبت با ارزش خداوند مشخص می‌شود.

منظور از مبنای سوم: طبیعت آیه و نشانه خداوند این است که در سبک زندگی انسان معنوی از منظر اسلام، همه عالم آیه و نشانه خداوند است و طبیعت و جهان و محیط‌زیست را مخلوق معبود خود خداوند کریم می‌داند و دلخوش و دلشاد است که در جهانی زندگی می‌کند که متعلق به پروردگار و خالق خود است و خداوند آن را آفریده است و آن را تدبیر می‌کند. مضاف بر اینکه تفکر و اندیشه‌ورزی در مورد طبیعت، جهان و محیط‌زیست و چگونگی آفرینش آنها، زمینه را برای شناخت جهان فراهم می‌سازد و با تدبیر در جهان و محیط‌زیست آن را آیه و نشانه خداوند می‌داند و با مشاهده و رؤیت آنها به یاد آفریننده آن می‌افتد و مدام در حال بالابردن و ارتقای نگرش خود در مورد هستی است.

در سبک زندگی انسان معنوی، طبیعت آیه و نشانه خداوند است؛ به این معنا که فلسفه وجودی جهان را یادگار و نمودی از خداوند می‌داند که انسان معنوی با حیات و زندگی در این جهان در متنی قرار گرفته است که مدام یادآور معمار و هستی‌بخش آن یعنی خداوند متعال است و هر بار در گیرودار مسائل و مصائب و مشکلات زندگی و این جهانی و روزمرگی قرار بگیرد و از یاد معبود غافل شود به یاد نشانه‌ها و آیات او در زمین می‌افتد و از اعماق درون با حالت تضرع و خوف خداوند را یاد می‌کند.

منظور از مبنای چهارم کرامت این است که خداوند علاوه بر عقل و ایمان و اختیار و اراده و آزادی انسان که همه جلوه‌های کرامت هستند، در آفرینش انسان از روح خود در کالبد او دمید و انسان را از جنس خود آفرید. این امتیاز که خداوند به انسان ارزانی فرمود، به هیچ‌یک از مخلوقات حتی فرشتگان مقرب هم اعطا نکرد. همین امتیاز کافی است که انسان اشرف مخلوقات باشد و خداوند پس از آفرینش او خود را تحسین کند که خود احسن الخالقین نامید. شناخت این موضوع که انسان اشرف مخلوقات بوده و از روح خداوندی در کالبد او دمیده شده است، زمینه حرکت، فعالیت و خداگونه‌شدن را در انسان پرورش می‌دهد. و این نگرش را در وی تقویت می‌کند که اصل و ریشه‌ای خدایی دارد و به عبارتی از خداست و به دنبال متصف شدن به صفات خداوند در وجود خود می‌باشد و در وجود او امانتی به ودیعه گذاشته شده است که تا پایان عمر باید از آن پاسداری و حراست کند و پاسداشت از روح خدایی او را به مرتبه‌ای از کمال می‌رساند که

هیچ یک از مخلوقات توان نائل آمدن به آن مرتبت را ندارند. بنابر این مینا، نگرش و دیدگاه انسان معنوی نسبت به حیات و زندگی متحول می‌شود و تغییر می‌یابد که خود را وارث امانتی می‌داند که بر مبنای پیمان و میثاق خود در روز ازل و عالم ذر باید به آن پایبند و متعهد باشد و به پیمان خود وفادار باشد.

در مورد مبنای پنجم آزادی معنوی می‌توان نتیجه گرفت که از همه آزادی‌ها مهم‌تر، آزادی معنوی است؛ به این معنا که فرد بدون فشارهای بیرونی دست به انتخاب بزند و اعمال خود را بدون اینکه دیگران او را وادار به انجام کاری بکنند خود انجام بدهد و این نوع از آزادی با عبودیت و بندگی خداوند میسر است (مصباحی، ۱۳۹۵).

آزادی معنوی به این شکل است که معنویت جز از راه آزادی به دست نمی‌آید. انسانی که از لحاظ معنوی فضیلت‌مند و نیک است، انسانی نیست که صرفاً اعمال ظاهری و خاصی داشته باشد، بلکه کسی است که اعمال ظاهری اش فقط حسن فعلی نداشته باشند، بلکه حسن فاعلی نیز داشته باشند، یعنی سبک زندگی و حیاتش را خودش در کمال آزادی، بدون کم‌ترین اجبار، اکراه، و اضطراب، برگزیده باشد. به عبارت دیگر این فرد ابتدا با خودش کنار آمده است و دستور معنوی را به عنوان یک عمل درست و صحیح پذیرفته است، بعد به آن پایبندی نشان می‌دهد.

منظور از مبنای ششم عدالت این است که همه در آفرینش یکسان هستند و هیچ‌کسی بر دیگری تفوق و برتری ندارد؛ یعنی اینکه خداوند همه را عادلانه از یک جنس و یک پدر و مادر خلق نمود و همچنین دمیدن روح خدایی در همه انسان‌ها مشترک است و در این مسئله هم هیچ‌کس بر دیگری تفوق و برتری ندارد.

حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر نخعی هنگامی که وی را به عنوان استاندار مصر منصوب فرمودند، این جمله را دارند که رعیت و زیردستان تو ای مالک یا شبیه تو در آفرینش هستند یا برادر دینی تو هستند؛ پس با آنها با مدرا رفتار کن (جعفری، ۱۳۶۴). این موضوع یک درس بزرگ برای حاکمان جامعه است. یا در جایی دیگر داریم که خود را ملاک و میزان برای روابط اجتماعی قرار بده. این امر به نوعی برابری میان خود و دیگران ناظر است و لازمه عدالت‌ورزی است.

انسان معنوی در زندگی و سلوک خود علاوه بر میزان و ملاک‌قراردادن خود برای سنجش عملکرد و مقایسه خود با دیگران و پسندیدن آنچه برای خود می‌پسندد و ناپسند بودن امری که

برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم نپسندد. برابری خلقت انسان‌ها از یک پدر و مادر و دمیدن روح خدایی مسائل بسیار مهمی است که زمینه و استعداد و آمادگی برای صعود و رشد و طی کردن تمام مراحل سیر و سلوک برای همه انسان‌ها میسر بوده و هیچ‌کس بر دیگری تفوق و برتری نداشته و نخواهد داشت، امر بسیار ارزشمندی است و عامل انگیزشی خوبی برای تعالی و بروز استعدادها خواهد بود. بیان این موضوع است که نردبام ترقی و رشد همه احادی است که توان و ظرفیت را دارند که به مدارج عالی انسانی در حیات و زندگی نائل آیند.

درمورد مبنای هفتم عشق به جهان هستی و مخلوقات خداوند می‌توان گفت جان کلام در زندگی انسان معنوی مفهوم عشق و علاقه وافر به معبود و خداوند است. عشقی که تمام وجود عاشق را دربرمی‌گیرد و جز به معشوقه خود که حضرت حق است، به هیچ چیز نمی‌اندیشد و جهان را جلوه‌ای از وجود حق می‌بیند و به مخلوقات از این زاویه نگاه می‌کند که همه از جانب دوست هستند و متعلق و ملک خداوند هستند و لذا چون آنها از خداوند هستند به آنها عشق می‌ورزد و آنها را دوست می‌دارد. زندگی انسان معنوی بر مبنای عشق و دوست داشتن به همه هستی و جهانیان است. انسان معنوی به واسطه خداوند به مخلوقات عشق می‌ورزد و همه را از خداوند می‌داند؛ لذا حاضر است در راه خداوند ایثار و فداکاری کند و از خود گذشته باشد و اگر در این راه جان خود را هم از دست بدهد، به مقام شهادت نائل آمده است که با توجه به مطالب پیشگفتار به بالاترین توفیق و سعادت رسیده است و به وصال حضرت دوست و لقاءالله که فوز عظیم است، نائل آمده است؛ همان چیزی حضرت علی(ع) هنگام ضربت خوردن فرمودند که قسم به پروردگار کعبه رستگار شدم^۱.

منظور از مبنای هشتم جهان جلوه‌ای از جمال معبود این است که انسان معنوی جهان را علاوه بر اینکه جلوه خداوند می‌بیند آن را زیبا هم رؤیت می‌کند یعنی نه اینکه جهان از آن خداست، آن را زیبا و دارای جمال تصور می‌کند، درواقع، هرچه را از خداست، خوب و دوست‌داشتنی و زیبا می‌پندارد و در جهان جز زیبایی چیزی نمی‌بیند. مضاف بر اینکه انسان معنوی، جهان و مافیها را جلوه‌ای از جمال حق می‌بیند و از زیبایی‌های ظاهری فراتر رفته است و همه جهان را پرتویی از جمال حق می‌بیند و توجه انسان معنوی به سوی خداوند و مخلوقات اوست که آنها را زیبا و جمیل

۱. فزت و رب الكعبه.

و دوست‌داشتنی می‌بیند و هرچه را از جانب خداوند است، نیکو و زیبا و جمیل تصور و به آنها افتخار می‌کند و احساس بالندگی دارد و این موضوع، سبک زندگی انسان را متحول و پربار و غنی و سرشار از سرزندگی و طراوت می‌کند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۴)، ترجمه محمد مهدی الهی قمشه‌ای، قم: پاسدار اسلام.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۲)، دیوان امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۹۱)، فلسفه تربیت، تهران: چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- اشعری، زهرا (۱۳۸۶)، رابطه معنویت و دین از دیدگاه علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت دینی، چکیده مقالات اولین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- اشعری، زهرا؛ باقری، خسرو و حسینی، افضل‌السادات (۱۳۹۱)، بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، س ۷، ش ۱۵.
- اکبری، مجید و حسینی، محمد (۱۳۸۸)، ارزش‌شناسی در فلسفه ارسطو، فصلنامه فلسفه و کلام آینه معرفت، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- الغزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۴)، احیای علوم‌الدین، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸)، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باغلی، حسین (۱۳۹۲)، مطالعه انتقادی تربیت معنوی در دنیای معاصر، مقایسه رویکردهای دینی و نوپدید در عرصه تربیت، رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد.
- باقری، خسرو (۱۳۷۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، در آمدی به فلسفه آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- بهشتی، محمدسعید (۱۳۸۶)، آراء اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ج ۲، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۴)، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۳)، دروس شرح اشارات و تنبیهات ابن‌سینا (نمط نهم «مقامات العارفین»)، قم: مطبوعات دینی.
- حسینی، محمد (۱۳۸۳)، بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی، مجله دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

- خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳۶۸)، دیوان غزلیات مولانا شمس‌الدین محمد خواجه‌حافظ شیرازی، با معنی واژه‌ها و شرح ابیات، تهران: انتشارات سعدی.
- خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳۶۸)، دیوان غزلیات استاد سخن سعدی شیرازی با معنی واژه‌ها و شرح ابیات، تهران: انتشارات سعدی.
- دادبه، اصغر (۱۳۸۶)، کلیات فلسفه (رشته علوم تربیتی)، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- دباغ، سروش (۱۳۸۳)، آیین در آئینه مروی بر آراء دین‌شناسانه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۳)، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، تهران: سمت.
- سلحشوری، احمد (۱۳۹۰)، حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، س ۲، ش ۲.
- ظاهرپور، محمدشریف (۱۳۹۲)، تبیین مبانی ارزش‌شناسی فلسفه تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، چکیده اولین همایش فلسفه تعلیم و تربیت ایران.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، قم: انتشارات صدرا.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸)، المیزان، ترجمه سیده‌محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج دوم و سوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)، نه‌ایه الحکمه، ترجمه علی شیروانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- فولادی، محمد (۱۳۹۴)، مدار انسانیت پرتویی از اخلاق و حقوق در ساحت پیامبر اسلام (ص)، تهران: انتشارات امید فردا.
- محمسیان‌راد، مهدی (۱۳۷۵)، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها (مقایسه انقلاب اسلامی و مشروطیت)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مصباحی، جمشید و دیگران (۱۳۹۵)، وضعیت عقل، دین و علم در عصر پست‌مدرن و ملاحظات آن در تربیت معنوی با رویکرد انسان‌شناسانه، مجله: پژوهشی در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۳۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، انسان کامل قم: انتشارات صدرا.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۹)، حدیث آرزومندی (جستارهایی در عقلانیت و معنویت)، تهران: نگاه معاصر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۰)، روان‌شناسی اخلاق، سلسله درس‌های گفتاری.
- مهدیان، محمدجعفر (۱۳۸۹)، مبانی و اصول تعلیم و تربیت، تهران: نشر ساوالان.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۲)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: طهوری.
- نوبخت، محمد (۱۳۷۲)، اراده و نقش آن در پیشگیری از آسیب‌پذیری‌ها، نشریه پیوند.

یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی تربیت معنوی در برنامه درسی چند کشور، فصلنامه علمی - پژوهشی نو در مدیریت آموزشی، سال ۳، ش ۱.

یوسفی، فرشته (۱۳۹۰)، سیر تحول تربیت معنوی و دلالت‌های آن در تربیت دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.

Friso,R,and,Caldin.(2014). Religious and spiritual education in disability situations in Italy
Pages 222-224 | Published online

Hwan Shim. S.(2017). A Study on the Significance of Spiritual Learning and Teaching
Through Augustine's Confessions journal of the Religious Education Association .Volume
112- Issue 5

Lyubimov L.L.(1996).On the cocept of spiritual and moral education in school. Moscow State
univecity Of Psychological Science and Education.

Mahdi Raki.I. Saniee,M. (2012).Studying the Relationship between Spiritual Intelligence and
Communicational Skills of IAU Managers, Social Communication Sciences, Volume 02,
Issue 06,

Wills.R.(2012). Beyond relation: a critical exploration of 'relational consciousness' for
spiritual education Journal .International Journal of Children's Spirituality .Volume 17,
Issue 1.

Wright.a.(2000).Spirituality and education (London Routledge Falmer. "Children Solving
Problems" London: Harvard University Prees"

